

# تحقیقات هسته ای یا بازی با حاکمیت ملی؟

مسعود فتحی

از سرگیری «تحقیقات اتمی» و برداشتن پلمب مراکز اتمی جمهوری اسلامی، یک بار دیگر پروژه هسته ای جمهوری اسلامی را به مساله روز بین المللی تبدیل کرد.

این روزها از برکت سر «دولت امام زمان» کشور ما همواره در صدر اخبار جهان است. داشتن رئیس جمهوری که با نازیها همزبان می شود و به نام کشوری سخن می گوید که موقعیت استراتژیک ایران را در منطقه مهمی مثل خاورمیانه و پرونده بازی مثل پرونده هسته ای جمهوری اسلامی را هم زیر بغل خود دارد، خود بزرگ ترین تهدید برای امنیت یک کشور است.

همزمان با روی کار آمدن دولت احمدی نژاد فقط لحن دولت عوض نشده است، پرونده هسته ای جمهوری اسلامی هم ورق جدیدی خورده است. میز مذاکره عملاً ترک شده است. اقدامات دولت ضد و نقیض تر گشته است. در حالی که هیات نمایندگی رسمی سرگرم مذاکره با روسیه بر سر پیشنهاد انتقال غنی سازی اورانیوم برای نیروگاه های جمهوری اسلامی به خاک این کشور است، اعلام می شود که پلمب مراکز تحقیقات اتمی برداشته خواهد شد و تمامی اقداماتی که در جریان مذاکرات با اروپا متوقف شده بود، از سر گرفته خواهد شد. هشدارها و دعوت به تامل و ادامه مذاکره هم تأثیری ندارد. اکنون این یکی هم عملی شده است.

طی چند روز گذشته، محمد البرادعی هشدار داد که از سرگیری تحقیقات هسته ای اعتبار

روند اعتماد سازی در ایران را به خطر می اندازد. یادآور شد که همه تمایل دارند شاهد رژیم باشند که از طریق آن جامعه بین المللی اطمینان یابد برنامه هسته ای ایران منحصرآ دارای اهداف صلح آمیز است. خاویر سولانا، رییس سیاست خارجی اتحادیه اروپا طی بیانیه ای نگرانی جدی خود را نسبت به از سرگیری فعالیت های هسته ای تعلیق شده به زبان آورده، هشدار داد که برداشتن چنین گامی در زمانی که بازسازی اعتماد بین المللی نسبت به ماهیت صلح آمیز برنامه هسته ای جمهوری اسلامی بسیار دور است، «سرپیچی از جامعه بین المللی» است و امکان بازگشت به مذاکرات را به شکلی جدی به مخاطره می اندازد. وزیر خارجه اتریش نیز به عنوان رئیس دوره ای اتحادیه اروپا اعلام کرد: تصمیم اخیر جمهوری اسلامی گامی اشتباه در مسیری اشتباه است و باعث نگرانی بسیار جدی است.

از طرف دیگر ایالات متحده آمریکا اعلام کرد که جمهوری اسلامی هیچگونه تمایلی جدی به حل مناقشه اتمی و رفع اختلافات هسته ای ندارد و قصد جمهوری اسلامی در مورد آغاز تحقیقات هسته ای در تأسیسات اتمی ایران شاهدهی بر این مدعا است. وزیر خارجه آمریکا نتیجه گرفت که «ما در حال وارد شدن به مرحله ای در ارتباط با ایران هستیم که به نظر من جهان باید به تصمیم گیری بپردازد.» و تهدید هم نمود که «هیچ شکی ندارم که در زمان مناسب، زمانی که انتخابش با ماست، به شورای امنیت خواهیم رفت.»

ظاهراً مسئولین دولت جمهوری اسلامی هم قصد مشابهی دارند. وارد بازی «رفتن به شورای امنیت» شده اند. فرماندهان سپاه و بسیج این روزها به میدان آمده اند و همزمان با شاخ و شانه کشیدن های اتمی، صحنه این بازی را با بیانات کارشناسانه شان گرم نگه می دارند و دم از شکست دادن آمریکا و .. در هر حمله احتمالی می زنند و شنونده را به یاد رجز خوانی های مشابه در عراق از سوی کارگزاران رژیم صدام و شاخص تر از همه، وزیر اطلاعات ایشان می اندازند که زیر صدای شلیک تانک های آمریکا در قلب بغداد، خبر از موفقیت های ظفرمندان ارتش صدام علیه مهاجمان شکست خورده می داد. بر هیچ کس، حتی رهبران جمهوری اسلامی هم، پوشیده نیست که بعد از جلسه ۲۵ نوامبر، آژانس بین المللی انرژی اتمی و تصمیم شورای حکام در

تأیید پیشنهاد روسیه یعنی انتقال غنی سازی به خاک روسیه، تکلیف پروژه هسته ای جمهوری اسلامی تعیین شده و سرنوشت آن رقم خورده است. بر اساس این تصمیم حق غنی سازی در خاک ایران از جمهوری اسلامی گرفته شده است. برخلاف توافق پاریس، تعلیقی در کار نیست، به تعبیری جمهوری اسلامی از حق غنی سازی کاملاً محروم شده است. به اعتباری خود با ترک میز مذاکره با اروپا راه رسیدن آژانس به این تصمیم را هموار نموده است. برای کسانی که این تصمیم را کارگردانی کرده اند و توپ مذاکرات اتمی با جمهوری اسلامی را به زمین روسیه پرتاب کرده اند، یعنی اروپا و آمریکا نتیجه این تصمیم روشن تر از پیش است. جمهوری اسلامی نباید از تکنولوژی غنی سازی اورانیوم برخوردار شود و بتواند از این طریق به امکان ساخت سلاح هسته ای مجهز شود، چه از طریق کنترل روسیه بر غنی سازی، چه از هر طریق دیگری که امکان متوقف کردن پروژه های جمهوری اسلامی در همین حدی که تاکنون شناخته شده است، ممکن باشد. نتیجه برای آمریکا و اروپا روشن است: اگر جمهوری اسلامی پیشنهاد روسیه را بپذیرد، خود بخود از غنی سازی در خاک ایران چشم پوشیده است، اگر نپذیرد، حداقل روسیه هم به جبهه غرب پیوسته است.

فقط یک انتخاب پیش پای جمهوری اسلامی گذاشته شده است: غنی سازی را فراموش کند و داوطلبانه از این حق دست بشوید. برای تامین نیازهای برنامه اتمی اش با روسیه خود را در این زمینه هماهنگ کند، یا این که سوخت لازم را از هر کشور دارای تکنولوژی اتمی دیگر بخرد. راه دیگری در شرایط فعلی پیش پای جمهوری اسلامی نمانده است، تأکید بر «تحقیقات» در زمینه غنی سازی، بعد از این تصمیم آژانس بین المللی، توسل به تهدید در برابر تصمیم آژانس و به طریق اولی آمریکا و اروپا و متحدان آن هاست.

بدون تردید، تعویض دیپلماسی با تهدید، حتی اگر کشوری قدرت آن را هم داشته باشد، در شرایطی که امکان حل اختلافات از طریق مذاکره و راه حل های دیپلماتیک وجود دارد، همانطور که تجربه عراق و توسل به زور از طرف دولت بوش نشان داد، یک بربریت محض و بازی با سرنوشت میلیون ها انسان در هر نقطه ای از جهان است.

بقیه در صفحه ۶